

## بود



چنین نقشی‌هایی را دوست ندارم.

دوستی که به من نزدیک هستند، زوایایی را در وجود من به لحاظ طنز در کلام و در بر خوردها و رفتارهای دیده‌اند که شاید خیلی‌ها از جمله نویسندگان و کارگردانان با این بخش از شخصیت وجودی من آشنایی نداشته باشند و برای همین احساس می‌کردند که من همیشه یک آدم خیلی متین، موقر، منضبط و مبادی ادب در زندگی هستم و اگر بخواهند نقش کمدی یا نقش‌هایی که خارج از ابعاد تعریف شده است نقش مثبت بلند به من پیشنهاد کنند، شاید به من نخورد و مناسب من نباشد ولی این اشتباه است که از روی ظاهر بازیگران، نقش‌ها را به آن‌ها پیشنهاد کنند.

یک بازیگر که سلیمان بسیاری کار کرده است باید بتواند در هر نقشی خودش را محک بزند که لبته معنی‌اش این نیست که همیشه در همه نقش‌ها هم موفق باشد اما باید نقشی که به عنوان بازیگر می‌پذیرد، برایش فکر کند، پر از ایده‌های جدید باشد و بتواند پیشنهادهایی را به نویسنده و کارگردان ارائه کند.

بازیگر دلش می‌خواهد نقش‌های مختلفی را تجربه کند و در کارنامه هنری‌اش ثبت کند و من هم تلاش همیشه این بوده است. اگر چه خیلی راحت است که یک بازیگر در یک نقش خاص جایفتد و به طور مداوم همان مدل نقش را تکرار کند و در طول سلیمان در ارائه این نقش‌های مشابه کارگشته شود اما از این بازیگر فقط همین یک مدل نقش دیده می‌شود که این با تعریف بازیگری برای من کمی مغایرت دارد.

**نقشی که در فیلم «کوزوو» ایفا کرد دید برای شما چه جذابیتهای داشت؟**

نقشی بود که فکر می‌کردم احتیاج دارم به این که یک سری

حرکات عجیب و غریب تماشگر را وادار به خنده کنم، بلکه بیشتر سعی کردم موقعیت‌ها را طوری کنار هم بچینم و تصویر کنم که از کنار هم قرار گرفتن این موقعیت‌ها و حضور این شخصیتی که بازی می‌کنم در کنار شخصیت‌های دیگر این اتفاق کمدی رقم بخورد.

**اغلب شمارا در نقش‌های مثبت یک جوان محبوب دیده‌ایم چرا تاکنون نقش‌های کمدی و طنز بازی نکرده بودید؟ این انتخاب خودتان بوده است؟**

در سال‌های اخیر این طور نبود که فقط نقش جوان محبوب و مثبت را بپذیرم. در شش، هفت سال اخیر تلاش کردم گاهی وقت‌ها نقش‌های خاکستری را انتخاب کنم که حتی از یک منظر شاید طعنه‌ای هم به نقش منفی می‌زند. به دلیل این که احساس می‌کنم در نقش‌های مثبت نه این که بد باشد که خوب هم هستند ولی دست‌بازیگر برای ارائه نقش‌ها چندان باز نیست و همه چیز از پیش تعریف شده است در حالی که برای نقش‌های خاکستری بازیگر می‌تواند از همه امکاناتش برای آن استفاده کند. تماشگر آگاه به راحتی می‌تواند همه ابعاد نقش‌های مثبت را از قبل پیش‌بینی کند و می‌داند که عاقبتش چه می‌شود اما نقش‌های خاکستری یا گله‌ی منفی به راحتی قابل پیش‌بینی نیستند. البته هر نقش منفی را هم دوست ندارم و بر این مهم است که طراحي آن شخصیت خوب باشد و اگر قرار باشد شخصیت منفی هم برای مخاطب قابل پیش‌بینی باشد دیگر این نقش‌ها هم جذابیتهای نخواهد داشت.

گله‌ی در کشور ما شخصیت منفی را طوری تصویر می‌کنند که نگار از زمان تولد یک شخصیت منفی بوده است و اتفاقاتی را که منجر به شکل‌گیری این شخصیت منفی شده است، نمی‌بینیم و من هم

الگوهای جدید را برای ارائه آن در ذهنم پرورش بدهم تا از پس آن بیایم.

وقتی فیلمنامه را خواندم احساس کردم با تعامل و آشنایی قبلی که با کارگردان و نویسنده این فیلم داشتم، می‌توانم کار متفاوتی انجام بدهم و امیدوارم که تماشگر هم دوست داشته باشد.

**بازی در فیلم کمدی سخت بود؟**

آسان هم نبود. در واقع برخی صحنه‌ها اثری که از من می‌گرفت کمتر از یک فیلم جدی نبود. ضمن این که ما در این فیلم صحنه‌هایی داشتیم که باعث آسیب دیدن من شد. در یکی از این صحنه‌ها که من با صندلی در حال فرار هستیم، به خاطر تکرارهایی که در این صحنه اتفاق می‌افتاد، ماهیچه‌های پاهایم گرفته بود و تا چند روز درد آزاردهنده‌ای داشت یا صحنه‌ای که من روی تلی از خاک در حال دویدن هستیم، همان جا پایم لیز خورد و زمین خوردم که از ناحیه پا از چند جا دچار آسیب و خونریزی شد.

با این حال من همه انرژی‌ام را گذاشتم که این نقش را که برای اولین بار بازی می‌کردم به بهترین شکل ایفا کنم.

**بازی خودتان را دوست دارید؟**

برخی از صحنه‌ها بازی خودم را دوست دارم و تقابلی که بین شخصیت من و شخصیتی که فرهاد آیدین بازی می‌کنند یا تقابلی که من با بقیه بازیگران دارم، به نظر من خوب از آب درآمده است. با این تجارب، اگر بخواهم باز این نقش را بازی کنم، همچنان ایده‌های زیادی دارم و باز هم چیزهایی زیادی به ذهنم می‌رسد که به این کار اضافه کنم و باز یگر هیچ وقت از کارش صد درصد راضی نیستم، هر بار فکر می‌کند اگر در این صحنه این کار را می‌کرد بهتر بود.